

هو الله

ای کنیز عزیز الهی تفصیلی که در نامۀ خویش مشروحاً بیان نموده بودی مسموع گردید از بشارت انتشار کلمۀ اللہ در لاس انجلیز مسرت بی نهایت حاصل گشت زیرا ایامی که من در آن اقلیم بودم تخم پاکی در آن خطّہ و دیار افشاندہ گشت الحمد للہ آن نابت شدہ و روز بروز این کشت در نشو و نماست و یقین است کہ فیض و برکت آسمانی حاصل خواهد شد و عنقریب نفوس کثیرهائی از این چشمہ صافی سیراب خواهند گشت الحمد للہ مجالس منعقد و نفحات قدس در انتشار است در خصوص محبت و عروسی و طلاق نوشته بودی محبت سبب کائنات است اول فیض الهی است و در جمیع مراتب وجود آثارش ظاهر و باهر و نکاح از جمله جوازم محبت و سبب ارتباط و التیام دو نفس کہ حکم یک نفس یابند این الفت و محبت اساسی متین دارد لهذا طلاق مبغوض درگاه کبریا چرا خدا الفت خواسته نہ کلفت التیام خواسته است نہ انفصال ولی اگر در میان دو نفس التیام و الفت تام حاصل نگردد بلکه از یکدیگر متنفر و منزجر گردند بقسمیکہ ہر دو در عذاب مستمر باشند البتہ انفصال از یکدیگر بہتر است زیرا ہر دو معذبند و التیام ممکن نہ ولی این بعد از آن است کہ بہر وسیلہ تشبث گردد تا الفت در میان آن دو نفس باقی و برقرار ماند لکن اگر التیام ممتنع و محال گردد آنوقت طلاق جائز

اما بہ امۀ اللہ مسس ہلن ام اہادی از قبل من نہایت تحیت و احترام ابلاغ دار و بگو ہرچند سالہائی اوقات خویش را در امور این جہان گذراندی و بافکار مختلفہ پرداختی و باحزاب متعدّدہ ہمدم و ہمراز شدی و نتیجہائی نیافتی الحمد للہ حال بشاہراہ ملکوت الهی پی بردی و بہ چشمہ آب گوارا رسیدی کہ حیات ابدیہ بخشد و سبب ظهور وحدت عالم انسانی گردد و علم صلح عمومی بلند نماید و سبب مساوات بین رجال و نساء گردد و سعادت ابدیہ انسانیہ تحقق یابد باری در ملکوت الهی قدم ثابت و راسخ نما و نعرہ زنان ترویج تعلیم الهی نما و سبب حیات مردگان گرد و شمع روشن عالم انسانی شو و علم رفیع عزّت عالم انسانی گرد تا این موهبت الی الأبد باقی و برقرار ماند کنیز عزیز الهی دخترت را بتربیت الهی تربیت نما و ہمچنین طفل نورانی پسر عزیزات را تا ہر دو منادی بملکوت اللہ گردند و سبب ہدایت جم غفیری از ناس شوند و مرغ خوش الحان گلشن عرفان شہناز خانم را از قبل من تحیت محترمانہ ابلاغ دار ہمیشہ بیاد او ہستم و از برای او تأیید و توفیق طلبم و علیک التَّحِیَّۃ و التَّنَآء